



در یک میهمانی که متشکل از افرادی با تحصیلات دانشگاهی بود، میزبان با یادکردن تخصص، من را به دیگر میهمانان معرفی کرد. پس از این معرفی مقدماتی، یکی از میهمانان که از استادان دانشگاهی بود، از من پرسید: «خب، در فارس چی پیدا کردید؟». پس از صاف کردن کلیم با یکی، دو سرفه، گفتم: «طرح پژوهشی که در چارچوب آن کار می‌کردم برای آزمایش فرضیه‌ای بود درباره شکل‌گیری حکومت‌های نخستین در ایران و نقش قبایل کوچ‌نشین در چنین روندی». سپس افزودم: «اطلاعاتی که از تپه‌های باستانی در بررسی به دست آوردیم از این فرضیه حمایت می‌کند» و اینکه «...». همچنان که صحبت می‌کردم، متوجه شدم چشم‌های مخاطبم در جست‌وجوی راه گریز از تنگنایی بود که خود را ناخواسته گرفتار کرده بود و در نتیجه بدن من شروع کرد به عرق کردن، با این اندیشه که هر چه بیشتر درباره «گنجی» که پیدا کرده بودم توضیح دهم، گمان‌شونده را بیشتر با این ایده که باستان‌شناسان با افرادی هستند که شاید از کرات دیگر به زمین مهاجرت کرده‌اند و با زبانی نامفهوم حرف می‌زنند یا این اندیشه که «کلنگ این بابا به سنگ خورده و چیزی برای گفتن ندارد»، تقویت می‌کنم. خوشبختانه پیش از اینکه فرصت ادامه «خزعبلام» را داشته باشم، مخاطبم من را به «قربانی» دیگر معرفی کرد و از «شر» من رها شد!

«چی پیدا کردی؟» پرسشی است که پاسخ عمومی به آن برای بیشتر باستان‌شناسان دشوار است؛ چون پاسخ اغلب دربرگیرنده فهرستی از مواد به‌ظاهر پیش‌پاافتاده اما کلیدی است؛ مانند سفال، استخوان، دانه‌های سوخته، گرده گل و... که همه برای بازسازی و تفسیر جوامع و محیط زیست باستانی بسیار کلیدی‌اند. با این حال، اغلب تصور می‌کنند که باستان‌شناسی علم گنج‌یابی است و ما بیوسته در جست‌وجوی گنج هستیم. شکی نیست که در کاوش یک گورستان باستانی، باستان‌شناس حجمی بزرگ و چشمگیر از دست‌سازهای کامل و اشیای تدفینی عامه‌پسند به دست می‌آورد که نزد مردم پراهمیت و جالب است و روزنامه‌ها هم آن را پوشش می‌دهند، اما اشیای یک گورستان چه چیز مهمی درباره جامعه آن به ما می‌آموزد؟ موادی مانند سفال، استخوان، تراشه سنگی در نظر همگان چشمگیر نیست، اما در بازسازی و درک فرهنگ یک جامعه باستانی بسیار برارزش‌تر از یک جام طلایی هستند. پرسش‌کننده معمولی، اغلب با انتظار بازگویی روایتی رومانتیک از زندگی موقت در کوه و دشت و دیدن اقوام گوناگون را دارد یا انتظار پاسخی ساده و کوتاه درباره کشف گنج، مجسمه، کاخ و هر چیز چشمگیری که درک عمومی جامعه را از فعالیت‌ها و هدف‌های باستان‌شناسی تشکیل می‌دهد؛ درکی که با تأسف، ما باستان‌شناسان در پرورش آن سهمی چشمگیر داشته‌ایم.

اما گذشته از بخش رومانتیک و روح‌نواز زندگی موقت در طبیعت، پژوهش میدانی، کاری دشوار و توان‌فرسا و گاه یکنواخت و کسل‌کننده است و تنها مسائل شیرین نظری است که کار دشوار میدانی را سرشار از هیجان می‌کند. با این حال، توده مردم چندان علاقه‌ای به شنیدن درباره کارهای سخت میدانی و امر توان‌فرسای طبقه‌بندی و مطالعه مواد باستان‌شناختی ندارند و حق هم با آنهاست.

شناساندن باستان‌شناسی و اهمیت آن فقط در سطحی گسترده می‌تواند به پیشبرد این رشته کمک کند؛ اما در هر جامعه‌ای، باستان‌شناسان گروهی کوچک را تشکیل می‌دهند که توان تبلیغ و آموزش همگانی رشته خود را در سطحی گسترده ندارند. برنامه‌های روشمند در شناساندن باستان‌شناسی فقط با برنامه‌ریزی دولتی در سطح دبستان‌ها و دبیرستان‌های کشور میسر است. بی‌اعتنایی در آموزش میراث فرهنگی در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، نه تنها در نگهداری درآمدزاد آثار فرهنگی ایران زیان‌آور است، بلکه به رکود نظری در فعالیت‌های آکادمیک در سطح عالی نیز می‌انجامد.

باستان‌شناسان هم زندگی روزانه و رسوم اقوام گذشته را بازسازی می‌کنند و هم در پی درک دگرگونی‌های فرهنگی درازمدت در جوامع هستند و با روش‌های علمی به توصیف و توضیح چنین دگرگونی‌هایی می‌پردازند. این تعریف در ظاهر با تعریف تاریخ و انسان‌شناسی فرهنگی شباهت دارد، اما بُعد زمانی که باستان‌شناسان در چارچوب آن کار می‌کنند، بسیار گسترده‌تر از آن دو رشته است. انسان‌شناسی فرهنگی جوامع ابتدایی و سنتی موجود و تاریخ دورانی را مطالعه می‌کند که در آنها مدارک تاریخی وجود دارند. باستان‌شناسان اطلاعات و مواد پژوهشی مورد نیاز خود را با بررسی و کاوش در مکان‌های باستانی‌ای که انسان‌ها زمانی در آنها زندگی و کار می‌کردند، گردآوری می‌کنند. به بیان دیگر، باستان‌شناسی روش‌هایی را پروراند است که گردآوری اطلاعات از جوامعی که دیگر وجود ندارند، امکان‌پذیر می‌کند.

بازمانده‌های مادی می‌توانند همه چیزهایی را در بر گیرند که رفتار انسان در شکل‌گیری و آفرینش آنها دخالت داشته است؛ مانند ظرف‌ها،

در طول زمان، تحرک مردم و انطباق موفق یا ناموفق جوامع در مواجهه با نوسان‌های زیست‌محیطی است که می‌تواند به باید در تصمیم‌گیری نهادهای دولتی در حفظ و مدیریت محیط زیست مدنظر قرار گیرد. پژوهش‌های باستان‌شناسی سرشار از مواردی است که نشان می‌دهد چقدر سوءمدیریت در دخالت‌های زیست‌محیطی، مانند سدسازی و آبیاری بی‌رویه و لجام‌گسیخته، سبب فرسایش منابع طبیعی، جابه‌جایی مردمی و فلاکت اقتصادی می‌شود.

کمک به اکولوژی انسانی و درک پویایی‌های اکولوژیکی برای اهداف حفاظت از محیط زیست، مستندسازی استفاده‌های جدید از منابع گیاهی و درک استراتژی‌ها برای کشاورزی زمین‌های حاشیه‌ای نیز از دیگر آموزش‌های باستان‌شناسی است که می‌تواند به برنامه‌ریزی و انطباق با محیط زیست کمک کند. همچنین بازبانی بقایای گیاهی باستانی می‌تواند اطلاعاتی بسیار مهم درباره گونه‌های گذشته ارائه دهد. تکنیک‌های DNA باستانی امکان مطالعه اپیدمی‌ها را فراهم می‌کند و بازبانی بقایای اسکلتی انسان به درک ما از علل و اثرات بیماری‌های کهن کمک خواهد کرد. اینها و بسیاری موارد دیگر، حاصل پژوهش‌های باستان‌شناسی است که این رشته علمی را برای هر جامعه‌ای مرتبط، معنادار و کاربردی کرده است.

***استاد باستان‌شناسی**
و مدیر پروژه پیش از تاریخ مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو

ساختمان‌ها، ابزار، نقوش، تندیس‌ها، زباله، جاله، کانال آب و گورها. چون بازمانده‌های مادی ملموس هستند، می‌توان آنها را از نظر کمی و کیفی اندازه‌گیری کرد و مورد آزمایش‌های گوناگون فیزیکی و شیمیایی قرار داد. از این رو، باستان‌شناسان از دیگر علوم و فنون نیز کمک می‌گیرند. برای نمونه، از مهندسان معمار در نقشه‌کشی و نقشه‌برداری و مطالعه چگونگی برپایی ساختمان‌ها، از گیاه‌شناسان در مطالعه دانه‌های گیاهی و گرده گل‌ها، از جانورشناسان در مطالعه استخوان جانوران و تعیین نوع آنها، از آسیب‌شناسان درباره بیماری‌هایی که همراه با ضایعات استخوانی است و مانند آن.

در جمع‌بندی مطالب ارائه‌شده باید گفت غالباً بین آنچه درباره مردم و جامعه نوشته شده و می‌شود و آنچه مردم واقعاً انجام می‌دهند و خواست واقعی آنها، تفاوت وجود دارد. اگرچه مدارک تاریخی مکتوب ممکن است بسیار مفید باشند، اما بر اساس باورها و اشتباهات کسانی که آنها را تهیه کرده‌اند، نوشته شده و می‌تواند بسیار مغرضانه باشند. باستان‌شناسی اغلب گزارشی عینی‌تر از گذشته ما ارائه می‌دهد؛ زیرا اشیای باستانی نمی‌توانند دروغ گفته یا واقعیت را تحریف کنند. به همین دلیل، کاوش باستان‌شناسی در محوطه‌های تاریخی مدارکی گردآوری می‌کند که می‌تواند در سنجش مدارک تاریخی به کار گرفته شوند. گذشته از این، باستان‌شناسی حاوی پیام‌های قدرتمندی درباره تغییرپذیری جوامع